

## جامعه‌شناسی سیاسی هابرماس: نگاهی به نظریه کنش ارتباطی و حوزه عمومی

علی خانی<sup>۱\*</sup>

حسن شمسینی غیاثوند<sup>۲</sup>

### چکیده:

یورگن هابرماس، فیلسوف و جامعه‌شناس آلمانی، در نظریه‌های خود به تحلیل روابط پیچیده میان قدرت، جامعه مدنی و دموکراسی پرداخته است. یکی از ارکان اصلی تفکر هابرماس، مفهوم کنش ارتباطی و تأکید او بر حوزه عمومی است. در جامعه‌شناسی سیاسی هابرماس، اهمیت اساسی به تعاملات آزاد و عقلانی میان افراد داده می‌شود که می‌تواند به تقویت دموکراسی و مشروعیت قدرت منتهی شود. هابرماس در نظریه کنش ارتباطی تأکید دارد که کنش اجتماعی باید بر اساس فهم مشترک و گفت‌وگوی عقلانی بین افراد باشد. در این فرآیند، افراد در پی رسیدن به تفاهم و توافق هستند، نه صرفاً دنبال منافع شخصی یا سودجویی. کنش ارتباطی، برخلاف مدل‌های سنتی و مبتنی بر سلطه، به افراد امکان می‌دهد تا از طریق گفت‌وگو به تبادل نظر بپردازند و در نهایت به تصمیمات دموکراتیک برسند. در این چارچوب، قدرت مشروع فقط زمانی به دست می‌آید که فرآیندهای اجتماعی و سیاسی بر اساس گفتگوهای آزاد و عقلانی شکل گیرند. یکی دیگر از مفاهیم کلیدی در نظریه هابرماس، حوزه عمومی است. هابرماس این مفهوم را به عنوان فضایی اجتماعی و دموکراتیک تعریف می‌کند که در آن افراد می‌توانند به‌طور آزادانه و بدون دخالت نهادهای دولتی یا اقتصادی، به بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل اجتماعی و سیاسی بپردازند. در حوزه عمومی، افراد به عنوان شهروندان آزاد و برابر، می‌توانند از طریق گفت‌وگو بر فرآیندهای سیاسی و تصمیم‌گیری‌ها تأثیر بگذارند. هابرماس معتقد است که در جوامع مدرن، این حوزه عمومی به ویژه از طریق رسانه‌ها و فضای عمومی، باید به‌طور فعال حفظ و گسترش یابد. اما او همچنین به این نکته اشاره می‌کند که در دنیای معاصر، رسانه‌ها و فضای عمومی تحت تأثیر نهادهای تجاری و اقتصادی قرار گرفته‌اند و این امر موجب تحریف و کاهش کارکرد واقعی حوزه عمومی می‌شود.

**واژگان کلیدی:** یورگن هابرماس، عقلانیت ارتباطی، کنش ارتباطی، حوزه عمومی، دموکراسی

مشورتی

<sup>۱</sup>- کارشناس ارشد علوم سیاسی، گرایش علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران: نویسنده

مسئول

Khani.6190@yahoo.com

<sup>۲</sup>- استادیار علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۹

یورگن هابرماس، فیلسوف و نظریه‌پرداز اجتماعی برجسته آلمانی، از چهره‌های کلیدی در سنت نظری انتقادی و یکی از تأثیرگذارترین اندیشمندان معاصر در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی است. او در آثار خود، به‌ویژه نظریه "کنش ارتباطی" و مفهوم "حوزه عمومی"، به بازاندیشی در بنیان‌های نظری دموکراسی، قدرت، و مشروعیت سیاسی در جوامع مدرن پرداخته است. جامعه‌شناسی سیاسی هابرماس در پی آن است که توضیح دهد چگونه ارتباط میان افراد، در قالب تعاملات عقلانی و گفت‌وگوهای آزاد، می‌تواند پایه‌ای برای شکل‌گیری قدرت مشروع و نظم دموکراتیک فراهم آورد. هابرماس با تلفیق فلسفه، جامعه‌شناسی و نظریه ارتباطات، تلاش دارد تا مدلی از دموکراسی مشارکتی و ارتباطی ارائه دهد که در آن، شهروندان نه صرفاً به‌عنوان رأی‌دهندگان، بلکه به‌مثابه کنشگران فعالی در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی ایفای نقش کنند. در این چارچوب، حوزه عمومی به‌عنوان عرصه‌ای برای گفت‌وگوی عقلانی و نقادانه در برابر نهادهای قدرت، جایگاهی محوری در نظریه او دارد. از نظر هابرماس، بحران‌های دموکراسی معاصر، ناشی از زوال این حوزه عمومی و سلطه فزاینده نهادهای اقتصادی و رسانه‌ای بر آن است. این نوشتار، با تمرکز بر نظریه کنش ارتباطی و حوزه عمومی، به بررسی دیدگاه‌های هابرماس در باب رابطه میان قدرت، جامعه مدنی و دموکراسی می‌پردازد و تلاش می‌کند چارچوب نظری او را برای تحلیل ساختارهای سیاسی مدرن و نقد آن‌ها تبیین کند.

## تعاریف متغیرهای اصلی

### کنش ارتباطی<sup>۱</sup>

نوعی کنش اجتماعی است که هدف آن رسیدن به تفاهم میان افراد از طریق زبان و استدلال عقلانی است، نه تحمیل یا اجبار.

ویژگی‌ها: زبان به‌مثابه رسانه تفاهم، معیار عقلانیت ارتباطی، تفکیک از کنش ابزاری.

### حوزه عمومی<sup>۲</sup>

حوزه عمومی: فضایی اجتماعی که در آن شهروندان آزادانه درباره امور عمومی بحث و تبادل نظر می‌کنند و در فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی مشارکت دارند.

ویژگی‌ها: استقلال از دولت، عقلانیت انتقادی، نقش رسانه‌ها.

### عقلانیت ارتباطی<sup>۳</sup>

1 - Communicative Action

2 - Public Sphere

3 - Communicative Rationality

نوعی از عقلانیت که بر پایه گفت‌وگو و تبادل نظر میان افراد در شرایط ایده‌آل گفت‌وگو استوار است.

تفاوت با عقلانیت ابزاری: عقلانیت ابزاری به دنبال کارآمدی است، در حالی که عقلانیت ارتباطی به دنبال درک و تفاهم.

### جامعه مدنی<sup>۱</sup>

جامعه مدنی در نظریه هابرماس: مفهومی کلیدی و واسطه‌ای میان دولت و شهروندان است که نقش مهمی در شکل‌دهی به حوزه عمومی دموکراتیک ایفا می‌کند. تعریف جامعه مدنی در اندیشه هابرماس با تأکید بر نقش ارتباط، گفت‌وگو، و نهادهای غیر رسمی مشخص می‌شود. وی اذعان دارد تقویت حوزه عمومی از طریق انجمن‌های داوطلبانه، جنبش‌های اجتماعی، رسانه‌ها و نهادهای غیردولتی شکل می‌گیرد.

### دموکراسی مبتنی بر گفت‌وگو<sup>۲</sup>

الگویی از دموکراسی که مشارکت سیاسی در آن بر پایه گفت‌وگو و استدلال عمومی استوار است.

### مفاهیم متغیرهای فرعی

#### نظام و زیست جهان، رسانه

زیست جهان: به طور خلاصه و اجمال زیست جهان عبارت است از دنیای زندگی روزمره و ارزش‌های فرهنگی و نظام به طور مختصر و اجمال عبارت است از ساختارهای بوروکراتیک و اقتصادی. استیلا و استعمار زیست جهان هنگامی به وقوع می‌پیوندد که منطق اقتصادی و سیاسی بر عرصه زندگی روزمره سلطه می‌یابد. (Habermas, Theory of Communicative Action)

رسانه: از منظر یورگن هابرماس، رسانه نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری، گسترش و کارکرد حوزه عمومی دارد. او رسانه را نه صرفاً به‌عنوان ابزاری انتقالی، بلکه به‌عنوان یک فضای اجتماعی و ارتباطی در نظر می‌گیرد که می‌تواند نقش دوگانه‌ای ایفا کند. هم می‌تواند زمینه‌ساز گفت‌وگوی عقلانی و مشارکت دموکراتیک باشد، و هم می‌تواند ابزار سلطه و دستکاری افکار عمومی گردد.

### نظریه کنش ارتباطی و عقلانیت ارتباطی

کنش ارتباطی به معنای استفاده از زبان به عنوان وسیله‌ای برای فهم و توافق متقابل در بین افراد است. در این نوع کنش، هدف اصلی هر فرد در ارتباط، رسیدن به فهم مشترک و

1 - Civil Society

2 -Deliberative Democracy

توافق در خصوص مسائل است. برخلاف کنش‌های راهبردی (که در آن‌ها افراد به دنبال دستیابی به اهداف خاص خود هستند)، در کنش ارتباطی، افراد تلاش می‌کنند تا در قالب گفت‌وگو و تبادل نظر، به یک توافق عقلانی برسند. ویژگی‌های اصلی کنش ارتباطی به شرح زیر است:

۱- **پایه‌گذاری بر عقلانیت گفت‌وگویی:** این نوع کنش مبتنی بر تلاش برای فهم مشترک و رسیدن به توافق در بین افراد است.

۲- **بی‌طرفی و احترام متقابل:** افراد باید به یکدیگر احترام بگذارند و هرکدام فرصتی برابر برای بیان نظرات خود داشته باشند.

۳- **هدف‌ها و مصالح مشترک:** هدف از کنش ارتباطی ایجاد توافقی است که به نفع همه طرف‌ها باشد.

**عقلانیت ارتباطی** به معنای نوعی عقلانیت است که بر اساس ارتباطات و گفتگوهای متقابل شکل می‌گیرد. هابرماس از این مفهوم برای توضیح چگونگی فرآیندهای تصمیم‌گیری و حل مسائل اجتماعی استفاده کرده است. عقلانیت ارتباطی به معنای جستجوی درک و توافق جمعی است ویژگی‌های عقلانیت ارتباطی به شرح زیر است:

۱- **فهم و توافق متقابل:** عقلانیت ارتباطی بر مبنای تبادل و گفتگو استوار است و افراد در فرآیند ارتباطی تلاش می‌کنند به درک مشترکی از مسائل برسند.

۲- **ارزیابی انتقادی:** عقلانیت ارتباطی به افراد این امکان را می‌دهد که به طور انتقادی در مورد پیش‌فرض‌ها و باورهای خود فکر کنند و آن‌ها را به چالش بکشند.

۳- **کثرت‌گرایی و دموکراسی:** در این نوع عقلانیت، توجه ویژه‌ای به تنوع دیدگاه‌ها و دسترسی برابر به فضای گفتگو داده می‌شود.

رابطه میان کنش ارتباطی و عقلانیت ارتباطی: کنش ارتباطی و عقلانیت ارتباطی به هم پیوند خورده‌اند. هابرماس بر این باور است که عقلانیت اجتماعی نمی‌تواند از طریق استفاده از ابزارهای تکنیکی یا سلطه‌گرایانه ایجاد شود، بلکه باید از طریق یک فرآیند گفت‌وگویی و همگرا با دیگران تحقق یابد. در این فرایند، افراد با هم در تعامل قرار می‌گیرند تا به توافقات مشترک برسند، و این توافقات مبنای عقلانیت اجتماعی و تصمیم‌گیری جمعی قرار می‌گیرند. نظریه کنش ارتباطی و عقلانیت ارتباطی هابرماس به دنبال نشان دادن اهمیت گفتگو، تبادل نظر و احترام متقابل در ایجاد عقلانیت اجتماعی و رسیدن به توافقات جمعی است. این نظریه‌ها به ویژه در زمینه‌های جامعه‌شناسی، فلسفه اجتماعی و مطالعات ارتباطات کاربرد دارند و بر اهمیت دموکراسی، شفافیت و کثرت‌گرایی در جوامع انسانی تأکید دارند. (اسکمبلر، ۱۳۹۶)

حوزه عمومی و دموکراسی مشورتی: مهم‌ترین مباحث اندیشه‌ی سیاسی و اجتماعی یورگن هابرماس هستند. این مفاهیم به‌ویژه در ارتباط با نقش ارتباط، گفت‌وگو، و مشارکت شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی مطرح می‌شوند.

حوزه عمومی چیست؟<sup>۱</sup> مفهومی است که هابرماس آن را در کتاب مشهور خود « تحول ساختاری حوزه عمومی» طرح کرد. او در این کتاب به بررسی تاریخی شکل‌گیری فضاهایی برای گفت‌وگو و نقد عقلانی میان شهروندان در دوران مدرن می‌پردازد.

ویژگی‌های حوزه عمومی از دیدگاه هابرماس: فضایی برای گفت‌وگوی عقلانی. حوزه عمومی جایی است که شهروندان آزادانه و بدون اجبار دولتی یا اقتصادی، درباره‌ی مسائل عمومی به بحث و تبادل نظر می‌پردازند. (هالوب، ۱۳۷۵)

۱- دسترس‌پذیری برای همه: همه افراد، صرف نظر از طبقه یا موقعیت اجتماعی، باید به این فضا دسترسی داشته باشند.

۲- نقش انتقادی نسبت به قدرت: حوزه عمومی جایی است که قدرت سیاسی، دولتی و حتی اقتصادی مورد پرسش و نقد عقلانی قرار می‌گیرد.

۳- تاریخی و شکننده: هابرماس معتقد است حوزه عمومی در دوران بورژوازی قرن ۱۸ و ۱۹ به شکلی ایده‌آل شکل گرفت (مثل کافه‌ها، نشریات، محافل فکری)، ولی در عصر مدرن به دلیل سلطه رسانه‌ها و قدرت‌های اقتصادی تضعیف شده است.

### دموکراسی مشورتی چیست؟<sup>۲</sup>

دموکراسی مشورتی مدلی از دموکراسی است که بر پایه گفت‌وگوی عقلانی و مشارکت برابر شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری شکل می‌گیرد. این نظریه با تأکید بر «قدرت استدلال» و نه «قدرت رأی یا اجبار»، در برابر مدل‌های سنتی‌تر دموکراسی نمایندگی (نماینده‌محور) قرار می‌گیرد (پولادی، ۱۳۸۳).

### اصول کلیدی دموکراسی مشورتی

۱- استدلال عقلانی به جای اجبار یا لابی‌گری: تصمیمات باید بر اساس دلایل قانع‌کننده برای همگان اتخاذ شوند، نه صرفاً بر اساس منافع گروهی یا رأی‌گیری.

۲- مشارکت آزادانه شهروندان: افراد باید بتوانند آزادانه، برابر و بدون ترس در گفت‌وگوهای عمومی مشارکت کنند.

۳- هدف رسیدن به توافق جمعی: برخلاف رقابت صرف سیاسی، هدف دموکراسی مشورتی

1 - Public Sphere

2 - Deliberative Democracy

رسیدن به تفاهم و راه‌حل‌های مشترک است.

۴- پویایی و بازبودن فرآیند تصمیم‌گیری: نتیجه مشورت‌ها باید قابل بازنگری و نقدپذیر باشند.

**پیوند میان حوزه عمومی و دموکراسی مشورتی در اندیشه هابرماس:** هابرماس این دو مفهوم را به هم پیوند می‌زند: **حوزه عمومی** بستر یا زیرساخت گفت‌وگوی آزاد میان شهروندان است. **دموکراسی مشورتی:** شکلی از سیاست‌ورزی است که نتایج تصمیمات عمومی را بر پایه همین گفت‌وگوها و استدلال‌ها می‌پذیرد. به عبارت دیگر، اگر حوزه عمومی خوب کار کند و شهروندان بتوانند آزادانه و آگاهانه در آن مشارکت کنند، آن‌گاه یک نظام دموکراتیک می‌تواند بر پایه‌ی گفت‌وگو (و نه صرفاً رقابت حزبی یا اعمال قدرت) عمل کند.

### رسانه، قدرت و جامعه مدنی

هابرماس نظریه‌ای مهم در زمینه رسانه‌ها و ارتباطات عمومی دارد که به طور عمده بر ارتباطات اجتماعی و نقش رسانه‌ها در جامعه متمرکز است. نظریه هابرماس در خصوص رسانه‌ها را می‌توان در چند بخش کلیدی بررسی کرد: یکی از مفاهیم مهم هابرماس در نظریه ارتباطات، مفهوم "میدان عمومی" یا Public Sphere است. به عقیده هابرماس، در جوامع مدرن، عرصه‌ای برای گفتگو و تبادل نظر آزاد وجود دارد که در آن افراد می‌توانند به بحث و بررسی مسائل عمومی بپردازند. این میدان عمومی باید مستقل از قدرتهای دولتی و اقتصادی باشد تا افراد بتوانند با استفاده از منطق و دلایل معتبر، نظر خود را مطرح کنند و در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی تصمیم‌گیری کنند. **رسانه‌ها**، به ویژه مطبوعات و تلویزیون، به عنوان بخش‌های اساسی این میدان عمومی عمل می‌کنند. آن‌ها محلی برای تبادل نظر عمومی، نقد قدرت و طرح مسائل اجتماعی فراهم می‌آورند. هابرماس معتقد است که رسانه‌ها نقش حیاتی در دموکراسی دارند زیرا امکان دسترسی به اطلاعات را برای عموم مردم فراهم می‌آورند و آن‌ها را قادر می‌سازند تا به صورت آگاهانه در فرآیند دموکراتیک مشارکت کنند. از نظر هابرماس، رسانه‌های آزاد و غیرمتمرکز برای عملکرد درست دموکراسی ضروری هستند. با این حال، او هشدار می‌دهد که در دنیای مدرن، رسانه‌ها به دلیل تمرکز مالکیت، تجاری شدن و تبلیغات ممکن است به ابزاری برای هدایت افکار عمومی به سمت اهداف خاص بدل شوند. هابرماس در تحلیل‌های خود اشاره می‌کند که از اواخر قرن بیستم، رسانه‌ها بیشتر تحت تأثیر منافع اقتصادی و تجاری قرار گرفته‌اند. این تجاری شدن، میدان عمومی را تضعیف می‌کند زیرا رسانه‌ها بیشتر به دنبال جذب مخاطب و سود مالی هستند تا تأمین آگاهی عمومی. هابرماس به طور خاص به این مسئله در زمینه تلویزیون و رسانه‌های خبری اشاره کرده است. برخی منتقدان هابرماس معتقدند

که ایده "میدان عمومی" او در دنیای مدرن و متکثر امکان‌پذیر نیست، زیرا دسترسی به اطلاعات و قدرت‌های رسانه‌ای اغلب به نهادهای دولتی و اقتصادی محدود می‌شود. علاوه بر این، برخی منتقدان بر این باورند که رسانه‌ها تنها ابزاری برای تجاری‌سازی اطلاعات و سرگرمی هستند و کمتر به وظیفه‌های دموکراتیک خود توجه دارند. هابرماس در نظریه خود به مفهوم "عمل ارتباطی" یا Communicative Action اشاره دارد که در آن هدف اصلی از ارتباط، درک متقابل و تفاهم میان افراد است. این مفهوم در رسانه‌ها نیز اهمیت دارد زیرا رسانه‌ها می‌توانند فضایی برای تبادل نظر و گفت‌وگو ایجاد کنند که در آن مردم با هم تعامل می‌کنند و به فهم مشترکی از مسائل اجتماعی و سیاسی دست می‌یابند. در نهایت، هابرماس رسانه‌ها را به عنوان ابزارهای حیاتی برای مشارکت دموکراتیک و تبادل نظر عمومی می‌بیند، اما بر لزوم حفظ استقلال و آزادی رسانه‌ها تأکید دارد. او هشدار می‌دهد که روند تجاری‌سازی و تمرکز مالکیت رسانه‌ای می‌تواند تهدیدی برای کارکرد صحیح رسانه‌ها در یک جامعه دموکراتیک باشد. هابرماس در تحلیل‌های خود، بر تعامل میان قدرت و ارتباطات تأکید دارد و معتقد است که قدرت نه تنها از طریق ساختارهای رسمی و دولتی، بلکه از طریق فرآیندهای ارتباطی و گفتمان‌های اجتماعی نیز شکل می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های نظریه هابرماس، مفهوم **عمل ارتباطی** است که در آن، افراد از طریق گفتگو و تبادل نظر به توافق مشترک دست می‌یابند. هابرماس معتقد است که در دنیای مدرن، قدرت نه تنها از طریق قوانین و سیاست‌ها بلکه از طریق فرآیندهای ارتباطی که در آن، افراد با هم تعامل می‌کنند، شکل می‌گیرد. این فرآیند ارتباطی باید بر اساس **منطق تفاهم** باشد، به این معنی که افراد در تلاشند تا با دلایل منطقی و بدون تحمیل اراده‌های خاص، به یک توافق مشترک برسند. هابرماس در آثار خود، به بررسی مفهوم **مشروعیت** پرداخته است. به عقیده او، قدرت تنها زمانی مشروع است که از طریق فرآیندهای ارتباطی و توافق جمعی به دست آید. در دنیای مدرن، مشروعیت قدرت به واسطه فرآیندهای دموکراتیک و گفت‌وگو میان افراد به دست می‌آید، نه از طریق سلطه یا استبداد. این ایده از نظریه هابرماس به مفهوم **دموکراسی مشارکتی** اشاره دارد که در آن، مردم از طریق گفتگو و تبادل نظر تصمیمات جمعی می‌گیرند. هابرماس در مقابل مفهوم **سلطه (Domination)** به قدرت به عنوان یک **توانایی دموکراتیک** برای تاثیرگذاری بر تصمیمات اجتماعی اشاره دارد. از دیدگاه هابرماس، سلطه زمانی شکل می‌گیرد که گروه‌های خاصی از افراد یا نهادها از قدرت خود به نفع منافع خود بهره‌برداری کنند و دیگران را از مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری محروم کنند. در حالی که قدرت در مفهومی دموکراتیک و ارتباطی به عنوان ابزاری برای توافق و تفاهم میان افراد عمل می‌کند. هابرماس در تحلیل‌های خود به تأثیر **اقتصاد سیاسی** بر قدرت نیز پرداخته است.

او معتقد است که در جوامع مدرن، **نهادهای اقتصادی و رسانه‌ها** به شدت بر سیاست‌ها و تصمیمات قدرت تأثیر می‌گذارند. این نهادها، به ویژه در زمان‌هایی که تجاری‌سازی و خصوصی سازی به قوت می‌رسد، ممکن است قدرت را از طریق تبلیغات و رسانه‌ها در دست گروه‌های خاص متمرکز کنند. در این شرایط، قدرت نه از طریق توافقات دموکراتیک، بلکه از طریق سلطه اقتصادی و رسانه‌ای اعمال می‌شود. یکی از نقدهایی که به نظریه هابرماس وارد شده است، این است که ایده او در خصوص قدرت به عنوان یک فرآیند ارتباطی، در عمل ممکن است به راحتی به سلطه و استثمار تبدیل شود. منتقدان می‌گویند که شرایط اجتماعی و اقتصادی ممکن است به گونه‌ای باشد که برخی گروه‌ها، حتی در فرآیندهای گفت‌وگویی و دموکراتیک، قادر به تحمیل اراده خود بر دیگران شوند. در نهایت، هابرماس بر این باور است که قدرت باید در قالب دموکراسی و فرآیندهای دموکراتیک به کار گرفته شود. از نظر او، قدرت مشروع زمانی است که از طریق تبادل نظر و گفت‌وگوهای عقلانی میان شهروندان شکل بگیرد و نه از طریق سلطه و تحمیل. قدرت باید در خدمت منافع عمومی و خیر جمعی باشد و از هرگونه سلطه و نابرابری اجتماعی جلوگیری شود. نظریه هابرماس در خصوص قدرت بر تعاملات انسانی، گفت‌وگو و تفاهم تأکید دارد. او قدرت را نه به عنوان یک ابزار سلطه، بلکه به عنوان یک توانایی دموکراتیک و ارتباطی برای ایجاد توافق و فهم مشترک می‌بیند. از دیدگاه هابرماس، قدرت مشروع زمانی است که از فرآیندهای دموکراتیک و مشارکتی به دست آید و در این راستا، قدرت باید با گفت‌وگو و تبادل نظر میان افراد شکل بگیرد. هابرماس معتقد است که جامعه مدنی یک عرصه مهم برای تعاملات اجتماعی، گفت‌وگو و تعامل‌های دموکراتیک است که می‌تواند به شکل‌گیری نظم اجتماعی مبتنی بر تفاهم و مشارکت آزادانه منجر شود. در نظریه هابرماس، جامعه مدنی نه تنها به عنوان مجموعه‌ای از نهادهای غیر دولتی و گروه‌های اجتماعی، بلکه به عنوان فضایی برای گفت‌وگو و مشارکت عمومی در فرآیندهای دموکراتیک تعریف می‌شود. هابرماس معتقد است که جامعه مدنی فضایی است که در آن افراد می‌توانند به صورت آزادانه و عقلانی در مورد مسائل عمومی و اجتماعی بحث کنند و بر تصمیمات سیاسی و اجتماعی تأثیر بگذارند. این میدان عمومی در جوامع مدرن عمدتاً از طریق **رسانه‌ها، مطبوعات، گروه‌های اجتماعی و نهادهای غیر دولتی** شکل می‌گیرد. در این فضا، افراد می‌توانند با یکدیگر در مورد مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تبادل نظر کنند و به یک توافق جمعی برسند. هابرماس این مفهوم را در کتاب خود توسعه داده است. او تاریخچه‌ای از چگونگی شکل‌گیری و تحول میدان عمومی در جوامع مدرن را بررسی می‌کند و بر اهمیت آن در فرآیندهای دموکراتیک تأکید می‌کند. طبق نظر هابرماس، میدان عمومی مکانی است که در آن مردم می‌توانند به



بحث آزاد و عقلانی بپردازند، نظرات خود را ابراز کنند و از قدرت‌های دولتی و اقتصادی نقد کنند. هابرماس تأکید زیادی بر اهمیت دموکراسی در جامعه مدنی دارد. از نظر او، جامعه مدنی بستری است که افراد می‌توانند در آن به مشارکت فعال در فرآیندهای دموکراتیک پرداخته و قدرت‌های دولتی و اقتصادی را نقد کنند. او معتقد است که دموکراسی باید بر مبنای گفت‌وگو و تفاهم باشد، به طوری که همه افراد و گروه‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند و هیچ کس از این فرآیندها کنار گذاشته نشود. در این راستا، هابرماس بر دولت دموکراتیک تأکید می‌کند که در آن قدرت سیاسی از طریق گفت‌وگو و تفاهم عمومی شکل می‌گیرد و نه از طریق سلطه یا تحمیل اراده از سوی نهادهای خاص. او بر این باور است که جامعه مدنی باید فضای آزاد و بی‌طرفی را فراهم کند تا افراد بتوانند به صورت منطقی و عقلانی به تبادل نظر بپردازند و بر تصمیمات عمومی تأثیرگذار باشند. هابرماس در نقد جامعه مدنی در عصر مدرن به مسئله تجاری‌سازی رسانه‌ها و عرصه‌های عمومی اشاره دارد. او معتقد است که با ظهور رسانه‌های تجاری و سرمایه‌داری، میدان عمومی دچار تغییرات منفی شده است. رسانه‌های تجاری که به دنبال سود هستند، دیگر نمی‌توانند به درستی نقش خود را در گفتمان عمومی ایفا کنند، زیرا بیشتر به جنبه‌های سرگرمی و تبلیغات پرداخته و از مسائل اجتماعی و سیاسی بی‌توجه می‌شوند. این تجاری‌سازی به نوعی منجر به تضعیف دموکراسی می‌شود، زیرا باعث می‌شود که قدرت‌های اقتصادی و دولتی بتوانند نظرات و افکار عمومی را به سمت منافع خود هدایت کنند. از دیدگاه هابرماس، این روند می‌تواند موجب کاهش نقد اجتماعی و تقلیل قدرت جامعه مدنی در تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی و اجتماعی شود. هابرماس همچنین بر اهمیت **نهادهای جامعه مدنی** تأکید دارد. این نهادها شامل سازمان‌های غیر دولتی، اتحادیه‌ها، گروه‌های مدافع حقوق بشر و دیگر گروه‌های اجتماعی هستند که می‌توانند در برابر قدرت‌های دولتی و اقتصادی ایستادگی کرده و از حقوق شهروندان دفاع کنند. این نهادها به عنوان واسطه‌هایی عمل می‌کنند که به افراد امکان می‌دهند تا در فرآیندهای دموکراتیک مشارکت کنند و به شکلی فعال در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی سهیم شوند. هابرماس بر این باور است که در جامعه مدنی، فرآیندهای **گفتمانی** باید بر اساس معیارهای عقلانی و اخلاقی شکل بگیرند. او به مفهوم **عمل ارتباطی** اشاره می‌کند که در آن افراد باید بدون هیچ گونه فشار و با توجه به منطقی و دلایل معتبر، به تفاهم و توافق برسند. این فرآیند گفتمانی در جامعه مدنی نه تنها به عنوان یک ابزار برای حل مسائل اجتماعی بلکه به عنوان ابزاری برای شکل‌گیری یک نظم اجتماعی دموکراتیک و عادلانه عمل می‌کند. نظریه هابرماس در خصوص جامعه مدنی بر اهمیت **گفت‌وگو، دموکراسی و مشارکت فعال** شهروندان در فرآیندهای

اجتماعی و سیاسی تأکید دارد. او جامعه مدنی را فضایی برای تبادل نظر و تصمیم‌گیری‌های دموکراتیک می‌بیند که در آن، قدرت‌های دولتی و اقتصادی باید تحت نظارت و نقد قرار گیرند. با این حال، هابرماس هشدار می‌دهد که تجاری‌سازی و سلطه اقتصادی و رسانه‌ای می‌تواند تهدیدی برای نقش جامعه مدنی در دموکراسی باشد. (نوذری، ۱۳۸۱)

### نقد هابرماس به سیستم سیاسی مدرن

نقدهای هابرماس عمدتاً معطوف به نحوه سازمان‌دهی قدرت، ارتباط آن با جامعه مدنی، و تاثیرات رسانه‌ها و نهادهای اقتصادی بر فرآیندهای دموکراتیک است. هابرماس در این نقدها به‌ویژه بر نحوه مواجهه دموکراسی‌ها با چالش‌های نهادهای تجاری، رسانه‌ای و اجتماعی تأکید دارد. یکی از مهم‌ترین نقدهای هابرماس به سیستم سیاسی مدرن، تحریف فضای عمومی است. او معتقد است که در جوامع معاصر، فضای عمومی که در آن شهروندان به‌طور آزادانه و عقلانی به بحث و گفت‌وگو در خصوص مسائل اجتماعی و سیاسی می‌پردازند، به تدریج تحت تأثیر نهادهای تجاری و رسانه‌ای قرار گرفته است.

**تحریف رسانه‌ها:** هابرماس می‌گوید که رسانه‌ها، به‌ویژه در دنیای مدرن، تبدیل به ابزارهایی برای تبلیغات و سرگرمی شده‌اند که هدف اصلی آن‌ها کسب درآمد است. این روند باعث می‌شود که رسانه‌ها دیگر قادر به ارائه یک فضای آزاد برای گفت‌وگو و تبادل نظر منطقی نباشند. این تغییر در عملکرد رسانه‌ها موجب می‌شود که فرآیند دموکراتیک کاهش یافته و افراد تحت تأثیر اطلاعات یک‌سویه و غیرانتقادی قرار گیرند.

**فضای عمومی تجاری شده:** با توجه به نفوذ شرکت‌های بزرگ و رسانه‌های تجاری، هابرماس عقلانی و دموکراتیک جای خود را به سرگرمی‌ها و تبلیغات داده است. هابرماس به شدت به نظام‌های نئولیبرال و سیاست‌های اقتصادی که در بسیاری از کشورهای دموکراتیک حاکم هستند انتقاد دارد. او معتقد است که سیستم‌های سیاسی مدرن تحت تأثیر روند نئولیبرالی قرار گرفته‌اند که منافع بازار و بخش خصوصی را به منافع عمومی و دموکراتیک اولویت می‌دهد. این امر می‌تواند منجر به کاهش قدرت جامعه مدنی و تضعیف دموکراسی شود.

**سلطه بازار بر سیاست:** هابرماس از تأثیرات منفی گسترش بازارهای آزاد و تسلط شرکت‌های بزرگ بر دولت‌ها و سیاست‌های عمومی انتقاد می‌کند. او معتقد است که در چنین سیستم‌هایی، تصمیم‌گیری‌های سیاسی تحت فشارهای اقتصادی و منافع خصوصی قرار می‌گیرند و این امر موجب می‌شود که سیاست‌ها نه از طریق گفت‌وگوی عمومی و دموکراتیک، بلکه از طریق فشارهای اقتصادی شکل گیرند.

**کاهش مشارکت مدنی:** او معتقد است که در چنین سیستمی، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری - های سیاسی کاهش یافته و در نتیجه، دموکراسی به یک دموکراسی نمایشی تبدیل می‌شود که در آن مردم فقط در سطح انتخاباتی از طریق رای دادن مشارکت می‌کنند، نه در فرآیندهای واقعی تصمیم‌گیری. هابرماس از نحوه عملکرد نهادهای دولتی در دموکراسی‌های مدرن انتقاد کرده و معتقد است که این نهادها، به‌ویژه در کشورهای پیشرفته، به‌طور فزاینده‌ای به صورت **دولت‌های نظارتی** که بیشتر به نظارت بر مردم و مدیریت بحران‌های اجتماعی و اقتصادی می‌پردازند، نه ایجاد فضایی برای گفت‌وگوی آزاد و تصمیم‌گیری دموکراتیک.

**دولت‌های بازاری و بوروکراتیک:** هابرماس همچنین به انتقاد از رشد بیش از حد بوروکراسی دولت‌های بزرگ و پیچیده در دنیای مدرن می‌پردازد. به گفته او، این سیستم‌ها با پیچیدگی‌های ساختاری و عدم شفافیت خود، امکان مشارکت واقعی مردم را محدود کرده و فرآیندهای دموکراتیک را به سمت مدیریت تکنوکراتیک و غیرمشارکتی سوق می‌دهند. هابرماس بر این باور است که در بسیاری از جوامع مدرن، مشارکت شهروندان در فرآیندهای دموکراتیک به شدت کاهش یافته است. این مسئله به‌ویژه به دلیل تحریف فضای عمومی و تسلط نهادهای تجاری و سیاسی بر فضای اجتماعی است. او معتقد است که در چنین شرایطی، شهروندان دیگر امکان تأثیرگذاری واقعی بر تصمیمات سیاسی و اجتماعی را ندارند و این امر به تهدیدی برای دموکراسی تبدیل می‌شود. در سیستم‌های سیاسی مدرن، هابرماس به نقش رسانه‌ها و نهادهای اقتصادی در تضعیف فرهنگ عمومی و عقلانیت انتقاد دارد. او معتقد است که این نهادها به جای ترویج گفتگوهای عقلانی و دموکراتیک، بیشتر به تبلیغات و جذب مخاطب می‌پردازند که این امر می‌تواند باعث کاهش عمق و جدیت مسائل اجتماعی و سیاسی شود. هابرماس تأکید می‌کند که دموکراسی واقعی زمانی تحقق می‌یابد که افراد در فضای عمومی به گفت‌وگو و تعامل‌های عقلانی بپردازند. در دنیای مدرن، با توجه به تحریف رسانه‌ها و تسلط نهادهای تجاری، این فضای عمومی به ابزاری برای سلطه و دست‌کاری تبدیل شده است. بنابراین، هابرماس از دولت‌ها و نهادهای اجتماعی خواسته است که محیط‌هایی فراهم کنند که در آن شهروندان بتوانند به‌طور آزادانه و بدون دخالت‌های اقتصادی یا سیاسی، نظرات خود را بیان کنند و در فرآیندهای دموکراتیک مشارکت داشته باشند. نقد هابرماس از سیستم‌های سیاسی مدرن بیشتر بر تحریف فضای عمومی، تسلط نهادهای اقتصادی، و کاهش مشارکت شهروندان متمرکز است. او معتقد است که در دنیای معاصر، دموکراسی‌ها به سمت سیستم‌هایی می‌روند که در آن‌ها قدرت اقتصادی و رسانه‌ای، جایگزین گفت‌وگو و عقلانیت عمومی شده

است. هابرماس به دنبال بازگرداندن فضای عمومی آزاد و عقلانی است که در آن شهروندان بتوانند بدون هیچ‌گونه فشار خارجی، در فرآیندهای دموکراتیک مشارکت کنند.

### نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

جامعه‌شناسی سیاسی هابرماس با تأکید بر نظریه کنش ارتباطی و مفهوم حوزه عمومی، چارچوبی نوین برای درک رابطه میان قدرت، عقلانیت و دموکراسی در جوامع مدرن ارائه می‌دهد. از نگاه او، دموکراسی زمانی واقعی و پایدار خواهد بود که بر پایه‌ی مشارکت آزاد و گفت‌وگوی عقلانی میان شهروندان استوار باشد، نه صرفاً بر مبنای فرآیندهای نهادی یا سلطه ساختارهای اقتصادی و سیاسی. هابرماس با نقد روندهای نولیبرالی، تجاری‌شدن رسانه‌ها، و تضعیف مشارکت عمومی، هشدار می‌دهد که مشروعیت نظام‌های سیاسی در معرض تهدید قرار دارد؛ مگر آنکه حوزه عمومی بار دیگر به فضایی زنده و فعال برای گفت‌وگو، نقد و مشارکت مدنی تبدیل شود. نظریه کنش ارتباطی او راهی برای بازسازی این فضا از طریق تأکید بر عقلانیت ارتباطی، احترام متقابل و هم‌فهمی اجتماعی پیشنهاد می‌دهد. در نهایت، جامعه‌شناسی سیاسی هابرماس دعوتی است به بازاندیشی در مبانی دموکراسی مدرن؛ دموکراسی‌ای که نه فقط در صندوق‌های رأی، بلکه در تعامل مستمر و آزاد میان انسان‌ها معنا می‌یابد. نظریه او هم چنان پاسخی زنده به بحران‌های مشروعیت، انزوا و بی‌صدایی در جوامع معاصر است.

## منابع فارسی

- اسکمبر، گراهام (۱۳۹۶)، هابرماس، نظریه انتقادی و سلامت، مترجم: حسینعلی نوذری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- پولادی، کمال (۱۳۸۳)، منظومه فکری هابرماس، در کتاب ماه علوم اجتماعی، تهران: نشریه خانه کتاب
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱)، بازخوانی هابرماس درآمدی بر آراء، اندیشه ها و نظریه های یورگن هابرماس، تهران: انتشارات نشر چشمه
- هالوب، رابرت (۱۳۷۵)، یورگن هابرماس نقد در حوزه عمومی، مترجم: حسین بشیریه، تهران: انتشارات نشر نی

## English Resources

- Habermas, J. (1981), **The Theory of Communicative Action.**
- Habermas, J. (1962), **The Structural Transformation of the Public Sphere.**
- Habermas, J. (1992), **Between Facts and Norms**